



۲۰۲۲/۰۴/۱۲



م. نعیم بارز

صحبتی هنگام خاک سپاری مرحوم ولی احمد نوری گرامی!

نوشتۀ ذیل قرار بود در حین خاک سپاری خوانده شود اما بخاطر ماه
رمضان و سردی هوا نخواستیم باعث زحمت حاضرین محترم شوم .

اجازه دهید در باره دوست دیرین و برادر گرامی ام مرحوم آقای ولی احمد نوری که شما بیشتر وی را می شناسید،
من فقط یگان نکته ای را که خودش قصه کرده و یا آنچه من از وی بر داشت دارم به عرض می رسانم :

نکته اول: آقای نوری و بعد از وفات ایشان سیرینه جان دختر نازنین وی تلفونی بمن گفتند: پدر آقای نوری بحیث
اعضای وزارت خارجه دولت افغانستان به سفارت روسیه شوروی در بخش قرار داد های تجارتي و اقتصادی اجرای
وظیفه می نمودند، زندگی خوب و مرفه ای داشته اند، متأسفانه در اثر کدام دسیسه و توطئه پدر آقای نوری ده سال
زندانی میشود اما بعد ها بی گناهی وی ثابت می گردد که از زندان رها شده و روابط شان با مقامات بلند و خانواده محمد
ظاهر شاه بسیار دوستانه و صمیمانه تا لحظه اخیر زندگی پا برجا می ماند چنانکه در همین روز ها آقای همایون شاه
آصفی در فیسبوک از دوستی هفتاد ساله شان با آقای نوری یاد آور شده است.

با این حال در زمانی که پدر آقای نوری زندانی شده بود هنوز دوران کودکی را طی نکرده و با مادرش زندگی می کرد،
در یک فصل زمستان چنان زندگی از لحاظ اقتصادی برای شان سخت شده بود که حتی قدرت خرید چوب و ذغال را
نداشته اند، مادرش برای گرم کردن صندلی یک سطل را برایش می دهد و یک پارچه تکه را بدستش می پیچد تا رفته
از گل خند حمام آتش بیاورد، در وقت انتقال آتش دستش چنان داغ و سوزان می شده که مجبور پس از هر چند قدم
گذاشتن به سوی خانه سطل را به زمین گذاشته و باز آنرا گرفته حرکت نماید.

نکته دوم : از روزهای هم قصه کرده که در شهر نو کابل زندگی می کردند و نمایندگی فروش موتر بنس را بنام موسسه
شنسب با یکی دو نفر شریک دیگر در چار راهی حاجی محمد یعقوب خان با هم داشتند، در آن وقت که همراي خانمش
ژنین جان و دو دخترش ثریا جان و صبرینه جان زندگی میکردند و نسبتاً زندگی مرفه ای داشته اند پنج نفر به شمول
آشپز در خدمت شان بوده. یعنی نوری صاحب مرحوم هر دو حالت فقر و ثروت را تجربه کرده اند.

نکته سوم : کودتای ۷ ثور و بدنبال آن تجاور نظامی دولت شوروی سابق زندگی همه مردم را که نسبتاً به امنیت و
آرامی بسر می بردند، چون زلزله و طوفان در بر گرفت که سال ها و تا کنون از آسیب آن هیچ افغان در امان و بی
آسیب نمانده است، بعضی به قتل رسیدند، بعضی زندانی شدند و بسی کسانی ناگذیر خانه، هستی و کشور دوست داشتی
شان را رها کرده و به هر طرف و هر کشوری که ممکن بوده پناه بردند و همین طور آقای نوری، من و شما دوستان.

نکته چهارم: به گفته آقای خلیل الله معروفی، آقای نوری «عاشق افغانستان» بود واقعاً از آغاز جنگ و جهاد تا لحظه
مرگ در غم افغانستان بود، خانه پاریس ۱۴ به سفارتخانه واقعی افغان ها مبدل شده بود، حضرت مجددی رئیس جمهور

سابق ولى مسعود برادر احمد شاه مسعود و بسى كسان ديگرى كه از افغانستان و جاهای ديگرى به پاریس می آمدند بشمول سفرای مقیم پاریس نزد آقای نوری مراجعه می کردند. یعنی مرحوم نوری به اندازه ای شناخت از افغان ها و رابطه وسیع داشتند كه کمتر كسى را با وی می توان مقایسه كرد.

نكته پنجم: تا جائی كه من میدانم آقای نوری در مورد مهاجرین افغان و آزادی افغانستان از هیچ نوع كار و كمكى كه در توانش بوده دریغ نورزیده است. اما بهترین كاری كه به فكرش رسیده همین كار فرهنگی سیاسی نشراتی بوده كه سال ها مدیریت سایت افغان جرمن را به پیش برده و از پنج سال قبل تا یکی دو ماه از مریضی و نهایت ضعیفی، سایت آریانا افغانستان را تاسیس و كار آن را دنبال نموده است.

وی به خوبی دریافته بودند كه تا به اصطلاح روشنفكران افغان بدرستی و علمی درك و شناخت از كشور خود، منطقه و جهان پیدا نكنند و مردم عام يك مقدار از جهل و خرافات تغییر نیابند، جنگ و خون ریزی بخاطر كسب قدرت ادامه خواهد یافت، به همین نسبت بسى روز ها و شبها تا سحرگاه در عقب كامپیوتر نشسته كار میكردند در حال مریضی بار ها هر كدام از دوستان برایش می گفتند آخر شب ها تاصبح كار كردن به صحت تان خوب نیست به خود فكر كنید و كمی زودتر بخوابید، در جواب می گفتند: والله كار زیاد است چاره نیست. كار كسى ديگرى را هم چندان خوش نداشتند زیرا به زعم خودش نباید يك ویر گل، سمی كولند، دش، گیم ای و غیره از نظر انداخته می شد. و چه رسد به اشتباه املائی و انشایی.

سخن کوتاه آنقدر در باره كار سیایت احساس مسئولیت می كرد كه به گفته خودش سایت مبدل به فرزندش شده بود. مگر روز كار سر انجام وا دارش ساخت كه آنرا به آقای سیدال هومان و فرید فهیم بسپارد، ولی باز هم چندان راضی به نظر نمی رسید .

نكته آخر اینکه طی چند سال من و آقای اكبر زمین در هر ده پانزده روز به دیدن اش می رفتیم و زمانیکه نسبتاً صحتش خوب بود به خانه ما می آمد و یا یکجا برای خوردن غذا به روستوران می رفتیم ما هر دو نفر شاهدیم و جا دارد بگویم كه : خانم ژنین با اینکه خود مریض بوده همواره به آقای نوری رسیدگی کرده و همین طور دو دختر نازنین وی در يك سال اخیر بین خود نوبت کرده بودند كه يك مدت یکی و يك مدت ديگرى به پدر و مادر و امور مریضی و مسئله شفاخانه رسیدگی نمایند. بدین ترتیب صبرینه جان كه در امریکا زندگی میكند و مصروف امور خانه و كار ترجمه است تا حال شش بار كه سه بار در سال ۲۰۲۱ و سه بار در سال ۲۰۲۲ از امریکا به پاریس رفت و برگشت نموده است.

ثریا جان نیز در پهلوی كار های رسمی و امور خانه همواره به پدر و مادرشان رسیدگی لازم را نموده اند. واقعاً هر دو دختر تحصیل کرده هر جهت های خوب كلتور فرانسوی و افغانی را فرا گرفته و به وجه شایسته در زندگی عمل کرده اند.

لذا برای خانم ژنین و دختر های نازنین و همچنان محترم آقای ولی جان زاهر و همه دوستان از بابت وفات نوری صاحب گرامی تسلیت عرض میكنم و در همینجا برای وی اطمینان می دهم كه كار های سایت به خوبی پیش می رود با خاطر آسوده و آرام بخواب، بخوابید، كه شب ها بخاطر آزادی مردم افغانستان خوابیده اید، آسوده بخوابید زیرا سایت نشراتی یا روشنی ای را كه به راه انداخته اید مشعل راه دیگران خواهد شد. خدا حافظ.



برای مطالب دیگر م. نعیم بارز روی عكس كلیك كنید